

تأثیر واحدهای تربیت بدنی عمومی ۱ و ۲ بر هویت ورزشی دانشجویان دانشگاه بیرجند

محمد حسن توکلی^۱، دکتر محمد کشتی دار^۲، دکتر جعفر خوشبختی^۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۸۹/۹/۶

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۳/۱۹

چکیده

هدف از انجام پژوهش نیمه تجربی حاضر، بررسی تأثیر واحدهای تربیت بدنی عمومی یک و دو دانشگاه بیرجند بر هویت ورزشی دانشجویان است. بدین منظور، مقیاس ۲۲ گزینه‌ای هویت ورزشی ساخته شده توسط چزلات (۲۰۰۴) در دو مرحله اولین و آخرین جلسه کلاس‌های تربیت بدنی عمومی یک و دو نیمسال دوم سال تحصیلی ۱۳۸۷-۸۸، در اختیار ۳۸۷ دانشجوی مقطع کارشناسی دانشگاه بیرجند با میانگین سنی 20.54 ± 1.79 قرار گرفت. نمونه آماری به طور تصادفی با تخصیص متناسب در هر طبقه انتخاب و به چهار گروه تقسیم شدند که عبارتند از: تجربی واحد عمومی ۱ ($N=150$)، کنترل واحد عمومی ۱ ($N=40$)، تجربی واحد عمومی ۲ ($N=159$) و کنترل واحد عمومی ۲ ($N=40$). روایی محتوای پرسشنامه توسط متخصصان و ثبات درونی آن نیز در مطالعه‌ای مقدماتی با آلفای کرونباخ $.89$ تأیید شد. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون‌های کولموگروف - اسمیرنوف، t گروه‌های همبسته و t گروه‌های مستقل در سطح معنی داری $p < .05$ استفاده شد. یافته‌ها نشان داد واحدهای تربیت بدنی عمومی ۱ ($t=-1/863, p=.065$) و تربیت بدنی عمومی ۲ ($t=-1/333, p=.185$) دانشگاه بیرجند بر هویت ورزشی دانشجویان تأثیرگذار نیستند، در حالی که واحد تربیت بدنی عمومی ۱ به طور معنی داری بر خرده‌مقیاس‌های انحصارگرایی ($t=-3/767, p=.001$)، هویت اجتماعی ($t=4/693, p=.001$)، تأثیرپذیری منفی ($t=2/038, p=.043$) و هویت خود ($t=-3/183, p=.002$) دانشجویان تأثیرگذار بوده و واحد تربیت بدنی عمومی ۲ تنها بر خرده‌مقیاس هویت خود آزمودنی‌ها تأثیرگذار است ($t=-3/162, p=.002$). بر پایه یافته‌ها، واحدهای تربیت بدنی عمومی ۱ و ۲ دانشگاه بیرجند در دست‌یابی به اهداف خود که مهم‌ترین آن‌ها بهبود نگرش و مشارکت مورد انتظار از سوی دانشجویان است ناتوان به نظر می‌رسند.

کلید واژه‌های فارسی: واحد تربیت بدنی عمومی، هویت ورزشی، دانشجویان.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه بیرجند (نویسنده مسئول)

Email:mashad_yoga@yahoo.com

۲ و ۳. استادیار دانشگاه بیرجند

Email:mohammad_kash2002@yahoo.ca

Email:jafar_khoshbakhti@yahoo.com

مقدمه

بررسی آنژلیکاها و الگوهای تربیتی در طول قرن‌ها نشان می‌دهد ورزش و تربیت بدنسی در پلاد نظام آموزشی جایگاهی متفاوت و برجسته یافته و ضمن استفاده گسترده در حوزه‌های مختلف اجتماعی به صفاتی ای تربیتی برای جامعه‌شناسان و سایر متخصصان تبدیل شده است. این که صعبت از اهداف تعلیم و تربیت به میان می‌اید، تربیت بدنسی و علوم ورزشی از مهم‌ترین ابزارهایی است که کمک می‌کند اهداف مذکور از طریق طراحی برنامه‌هایی سالم و کاربردی محقق شود. دست‌اندرکاران آموزش عالی در کشورهای توسعه‌یافته در یافته‌اند که سرمایه‌گذاری و توجه هر چه بیشتر به تربیت بدنسی و علوم ورزشی می‌تواند ضمن تغییر نگرش دانشجویان در جهت مثبت، چشم‌انداز سلامت و بهره‌وری جامعه را نیز بهبود بخشد (۱). به این منظور، واحدهای تربیت بدنسی عمومی دوره‌هایی آموزشی هستند که در پی پژوهش‌های بسیار در مورد ضرورت تربیت بدنسی در برنامه‌های آموزشی و تربیتی تدوین شده‌اند و بدون شک اجرای اثربخش آن‌ها می‌تواند بر اهداف مورد انتظار جامعه، بدرویه رشد و توسعه هویت جوانان که از ضرورت‌های دنیای معاصر محسوب می‌شود تأثیرگذار باشد.

آنچه نگران کننده است، نبود شناخت کافی از وضعیت محتوا و نحوه اجرای واحدهای تربیت بدنسی عمومی از یک سو و نتایج پرخی پژوهش‌ها مبنی بر اثربخش نبودن این واحدهای آموزشی از سوی دیگر است؛ بنابراین ضروری است که متفصّل‌تر تربیت بدنسی و علوم ورزشی، سرمایه‌گذاری علمی و پژوهشی مشخصی را به بررسی وضعیت واحدهای مذکور و ارائه راه‌کارهای کاربردی و اثربخش در این خصوص اختصاص دهند. قنبرزاده (۰۷۳۲) با بررسی کارآیی و نجوده اجرای واحدهای تربیت بدنسی عمومی را در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی ایران، تأثیر این واحدها را بهبوده بر ارتقای سطح آمادگی دانشجویان غیر اثربخش ارزیابی کرده است (۲). رمضانی (۱۳۸۱) مهرین مشکل اجرایی این واحدها را بسود انگیزه‌های دانشجویان ذکر کرده (۳) و بنیان و کاشف (۱۳۸۸) نیز بر ارتقای محتوا این واحدهای آموزشی تأکید می‌ورزند (۴)، ولی تاکنون در زمینه میزان تأثیرگذاری واحدهای آموزشی تأکید ورزشی دانشجویان تحقیقی در ایران انجام نشده است.

هویت ورزشی میزان قدرت و درجه‌ای است که فرد خود را ورزشکار شناسایی می‌کند و به مشارکت ورزشی خود متعهد می‌شود (۵). افرادی که هویت ورزشی قوی دارند، ارزش «خود» را بر مبنای عملکرد ورزشی قرار می‌دهند و تمايل دارند عزت نفس خود را از طریق هویت ورزشی قوی خود تقویت کنند؛ در نتیجه اغلب این افراد بر اساس میزان مشارکتشان در ورزش، هویت

خود را تقویت می‌کنند (۶). مدل‌های پیشرفتۀ هویت ورزشی از دید تعامل گرایانه نمادینی استفاده می‌کنند که بر درک و توضیح چگونگی تأثیر ساختارهای اجتماعی (مؤلفه‌های بیرونی) و خودارزیابی (مؤلفه‌های درونی) بر «خود» و رفتار اجتماعی تمرکز دارند. فرآیند اجتماعی شدن شامل مؤلفه‌های بیرونی چون خانواده، دوستان، مربیان، معلمان و رسانه است که بر درجه مشارکت ورزشی فرد و در ادامه، بر رشد «خود» و قدرت هویت ورزشی وی تأثیر می‌گذارند (۷). واحدهای تربیت بدنی عمومی ۱ و ۲ دانشگاه‌ها فرصتی است که می‌توان از طریق آن نقش ورزشی افراد را تقویت و زمینه را برای ارتقای مؤلفه‌های درونی و بیرونی هویت ورزشی که هدف غایی آن توسعه نگرش مثبت دانشجویان به ورزش و فعالیت بدنی و ارتقای سطح مشارکت ورزشی آنان است فراهم نمود.

مدل پیشرفتۀ هویت ورزشی که در تحقیق حاضر به عنوان مدلی پایه از ان استفاده شده است، دو مؤلفه بیرونی (انحصارگرایی^۱ و هویت اجتماعی^۲) و درونی (هویت خود^۳، تأثیرپذیری منفی^۴ و تأثیرپذیری مثبت^۵) را به عنوان شاخص‌های تعیین هویت ورزشی معرفی می‌کند (۷). عناصر تعیین‌کننده هویت اجتماعی، مرجع گزارش فرد از شناخت اجتماعی او از ورزش‌اند و انحصارگرایی نیز به اهمیت ورزش، در مقایسه با فعالیت‌های دیگر اشاره دارد (۸). عامل هویت خود، ادراکات مربوط به «خود» را ارائه کرده و عناصر منعکس‌کننده تأثیرپذیری منفی، به احساسات نامطلوب حاصل از بازخوردهای منفی مشارکت ورزشی مربوط می‌شوند. تأثیرپذیری مثبت که به عنوان عاملی جدید به مدل‌های پیشرفتۀ هویت ورزشی اضافه شده است، به ارزیابی مشارکت ورزشی فرد می‌پردازد و بر احساسات مثبت وی در پاسخ به نتایج مطلوب مشارکت ورزشی دلالت دارد (۷).

نتایج برخی پژوهش‌ها از وجود تفاوت در هویت ورزشی افراد خبر داده و بیان می‌کنند که هویت ورزشی افراد به تفکیک سطح مشارکت ورزشی تغییر می‌کند. آنان افزایش هویت ورزشی را در نتیجه افزایش مشارکت ورزشی محتمل می‌دانند و بر آن تأکید می‌ورزند (۹-۱۱). با این حال، نتایج برخی پژوهش‌ها با موارد فوق ناهمخوان است (۱۲، ۱۳). به عقیده بورو^۶ (۱۹۹۳) افرادی که نمره بالاتری در مقیاس هویت ورزشی کسب می‌کنند، علاقه بیشتری برای حضور در

-
- 1.Exclusivity
 - 2.Social identity
 - 3.Self identity
 - 4.Negative affectivity
 - 5.Positive affectivity
 - 6.Brewer

برنامه‌ها و فعالیت‌های ورزشی دارند که نشان‌دهنده مثبتانه شدن نگرش آنان به ورزش و فعالیت بدنی است (۵). مایلز و گریستنسن^۱ (۲۰۰۶) هویت ورزشی سه گروه ورزشکاران نخبه، تفریحی و غیرورزشکار را بررسی کردند و دریافتند که افراد غیرورزشکار در هر سه خودمقیاس هویت اجتماعی، انحصارگرایی و تأثیرپذیری منفی، نعروه کعنی کسب کردند، در حالی که بین ورزشکاران نخبه و تفریحی در خودمقیاس‌های انحصارگرایی و تأثیرپذیری منفی تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد (۱۴). آندرسون^۲ و همکاران (۲۰۰۷) رابطه میان هویت ورزشی و رفتار تصریبی را بررسی و بیان کردند بین رفتار تصریبی، تناوب تصریبی و هویت ورزشی دانشجویان رابطه‌ای معنی‌دار وجود دارد (۱۵). دریک^۳ (۲۰۰۸) به بررسی هویت ورزشی دانشجویان ورزشکار پرداخته، بیان می‌کند بین هویت ورزشی دانشجویان به تفکیک جنسیت، نژاد، سال ورود به دانشگاه و سابقه ورزشی تفاوتی معنی‌دار وجود دارد (۱۶).

بهطور کلی، تحقیق حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال است که آیا واحدهای تربیت بدنی عمومی ۱ و ۲ دانشگاه بیرجند بر هویت ورزشی دانشجویان تأثیرگذارند یا خیر. پاسخ به این سؤال می‌تواند به دست آندرکاران تربیت بدنی در ارائه راهکارهای اثربخش‌تر به منظور ارتقای سطح کیفی واحدهای تربیت بدنی عمومی دانشگاه بیرجند یاری نماید. ضمن اینکه آگاهی از وضعیت هویت ورزشی دانشجویان شرکت‌کننده در واحد تربیت بدنی عمومی ۱ و ۲ این امکان را به مردمیان می‌دهد که برنامه‌های خود را بر مبنای ظرفیت تصمیم‌گیری دانشجویان در قبال مشارکت ورزشی توسعه دهند.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع تحقیقات نیمه‌تجربی^۴ است. به همین منظور از مقیاس ۲۲ گزینه‌ای هویت ورزشی ساخته شده توسط چزلات (۲۰۰۴) استفاده شد. این مقیاس، پنج خودمقیاس دارد که عبارتند از: هویت اجتماعی (۵ گزینه)، انحصارگرایی (۵ گزینه)، هویت خود (۴ گزینه)، تأثیرپذیری منفی (۴ گزینه) و تأثیرپذیری مثبت (۴ گزینه). ابزار تحقیق در دو مرحله اولین و آخرین جلسه کلاس‌های تربیت بدنی عمومی ۱ و ۲ نیمسال دوم سال تحصیلی ۱۳۸۷-۸۸ در اختیار ۳۸۷ دانشجوی مقطع کارشناسی دانشگاه بیرجند با میانگین سنی ۲۰/۵۴±۱/۷۹ قرار گرفت. از مقیاس ۱۰ ارزشی (صفر=کاملاً مخالف تا =کاملاً موافق) نیز برای کمی کردن آن استفاده شد. جدول ۱ مقیاس‌ها، گوییده‌ها و ضریب الگای کرونباخ مقیاس اندازه‌گیری هویت

1.Mills & Christensen

2.Anderson

3.Derick

4. Semi-experimental

ورزشی را به تکمیل نشان می دهد.

جدول ۱. خرده مقیاس‌ها، گویه‌ها و سریب آنها که در اینجا مذکور شویں ورزشی

ردیف	خرده مقیاس	گویه	آنالیز گروهی
۱	هویت اجتماعی	۱۹، ۱۴، ۱۱، ۶، ۳	-۷۰
۲	انحصار گرامی	۴۰، ۱۷، ۸، ۵، ۴	-۷۷
۳	هویت خود	۲۱، ۱۳، ۲، ۱	-۷۹
۴	تأثیرپذیری مثبت	۱۸، ۱۲، ۹، ۷	-۷۸
۵	تأثیرپذیری منفی	۲۲، ۱۶، ۱۵، ۱۰	-۷۴
۶	هویت ورزشی	گویه ۲۲	-۹۱

بالا بودن نمره خرده مقیاس «هویت اجتماعی» نشان دهنده بر جسته تر بودن نقش ورزشی فرد در شناخته شدن اجتماعی وی است. بالا بودن نمره خرده مقیاس «انحصار گرامی» نشان می دهد فرد، در مقایسه با دیگر فعالیت‌های روزمره، زمان زیادی را به فعالیت‌های ورزشی اختصاص می دهد. بالا بودن نمره خرده مقیاس «هویت خود» مرجعیت گزارش فرد از خود را به عنوان ورزشکار مشخص می کند. بالا بودن نمره خرده مقیاس «تأثیرپذیری مثبت» نشان می دهد شرکت در فعالیت‌های ورزشی سبب می شود احساسی بسیار مطلوب در فرد به وجود آید. در حالیکه بالا بودن نمره خرده مقیاس «تأثیرپذیری منفی» نشانگر به وجود آمدن احساسی بسیار نامطلوب حاکی از موفق نبودن در فعالیت‌های ورزشی است.

نمونه آماری به طور تصادفی با تخصیص متناسب در هر طبقه انتخاب و به چهار گروه تقسیم شدند: تجربی واحد عمومی ۱ ($N=150$)، کنترل واحد عمومی ۱ ($N=40$)، تجربی واحد عمومی ۲ ($N=159$) و کنترل واحد عمومی ۲ ($N=40$). با توجه به اینکه نوع تحقیق نیمه تجربی است و منوط به حضور داوطلبانه آزمودنی هاست، نمونه گیری به صورت تصادفی در دسترس انجام شد، با این حال با توجه به نحوه تدریس استاد و رشتة ورزشی کلاس، به ویژه در واحد تربیت بدنی عمومی ۲ تلاش شد از تخصیص متناسب در هر طبقه استفاده شود؛ یعنی نمونه ها طوری انتخاب شوند که اثر نحوه تدریس و رشتة ورزشی حذف شود.

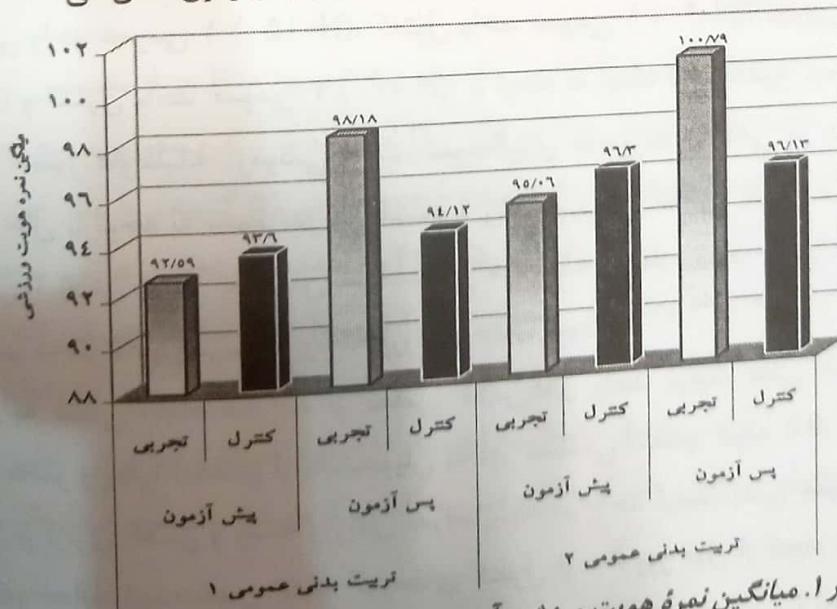
نمونه گیری به شکلی انجام شد که از تمامی کلاس های واحد تربیت بدنی عمومی ۱ و ۲ دانشجویان دختر و پسر، تعدادی از دانشجویان به طور تصادفی انتخاب شوند تا اثر نحوه تدریس استاد، زمان برگزاری کلاس و رشتة ورزشی تدریس شده در واحد تربیت بدنی عمومی ۲ نیز در تحقیق حاضر لحاظ شود، ضمن اینکه گروه های کنترل از ۶۰ روز قبل از انجام پیش آزمون تا پایان پس آزمون هیچ گونه فعالیت بدنی نداشتند و گروه کنترل واحد عمومی ۲ نیز واحد تربیت

بدنی عمومی ۱ را در ترم‌های تمحبی گذشته گذرانده بودند. روابط محتوای پرسشنامه توسط متخصصان و ثبات درونی آن نیز در مطالعه‌ای مقدماتی با الگای کرونباخ $\alpha = 0.89$ تأیید شد. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون‌های گولمو-گروف - اسپیرنف، ۱ گروه‌های همبسته و ۱ گروه‌های مستقل در سطح معنی‌داری $P < 0.05$ استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

میانگین نمره هویت ورزشی گروه تجربی واحد تربیت بدنی عمومی ۱ در پیش‌آزمون 92.09 ± 3.45 بود که با 4.58 افزایش به میزان 98.18 ± 3.40 رسید ($t = 1/8.63$, $P = 0.065$), در حالی که یافته‌های آزمون ۱ گروه‌های مستقل و مقایسه تفاصل پیش‌آزمون و پس‌آزمون گروه‌های تجربی و کنترل واحد تربیت بدنی عمومی ۱ نشان داد بین تغییرات هویت ورزشی دانشجویان به تفکیک گروه‌های تجربی و کنترل تفاوت معنی‌دار وجود دارد ($t = 0/001$, $P = 0.000$). میانگین نمره هویت ورزشی گروه تجربی واحد تربیت بدنی عمومی ۲ در پیش‌آزمون 95.06 ± 3.68 بود که با 5.75 افزایش به میزان 100.79 ± 3.91 رسید ($t = 0/185$, $P = 0.000$) و این در حالی است که تفاوت معنی‌داری بین تفاصل پیش‌آزمون و پس‌آزمون گروه‌های تجربی و کنترل واحد تربیت بدنی عمومی ۲ مشاهده شد ($t = 0/001$, $P = 0.000$).

نمودار ۱ میانگین نمره هویت ورزشی آزمودنی‌های گروه تجربی و کنترل واحدهای تربیت بدنی عمومی ۱ و ۲ و جدول ۲ آماره‌های مربوط به مقایسه نمرات هویت ورزشی آزمودنی‌های گروه تجربی و کنترل واحدهای تربیت بدنی عمومی ۱ و ۲ را به تفکیک پیش‌آزمون و پس‌آزمون نشان می‌دهد.



نمودار ۱. میانگین نمره هویت ورزشی آزمودنی‌های گروه تجربی و کنترل به تفکیک واحد تربیت بدنی عمومی ۱ و ۲

جدول ۲. اماراتهای مربوط به مقایسه احراز هویت ورزشی آزمودنی‌های گروه تجربی و کنترل واحدهای تربیت بدنی عمومی ۱ و ۲ به ترتیب پیش‌آزمون و پس‌آزمون

سطح معنی‌داری		نمره t	انحراف استاندارد	میانگین	آزمون ۴ گروههای مستقل	واحد تربیت بدنی ۱
-0.89	11188		22/64	92/59	کنترل	
			31/92	93/81	تجربی	پیش‌آزمون
-0.84	11889		22/02	98/18	کنترل	پس‌آزمون
			22/09	94/12	تجربی	
-0.11**	11887		---	4/58	کنترل	تفاضل
			---	1/52	تجربی	
سطح معنی‌داری		نمره t	انحراف استاندارد	میانگین	آزمون ۳ گروههای وابسته	
-0.95	-1/863		34/64	92/59	پیش‌آزمون	گروه تجربی
			34/02	98/18	پس‌آزمون	
سطح معنی‌داری		نمره t	انحراف استاندارد	میانگین	آزمون ۳ گروههای مستقل	
-0.069	-0/189		36/87	95/06	تجربی	پیش‌آزمون
			28/31	96/30	کنترل	
-0.29*	0/658		39/81	100/79	تجربی	پس‌آزمون
			28/20	96/13	کنترل	
-0.001**	0/732		---	3/70	تجربی	تفاضل
			----	-0/166	کنترل	
سطح معنی‌داری		نمره t	انحراف استاندارد	میانگین	آزمون ۳ گروههای وابسته	
-0.185	-1/333		36/87	95/06	پیش‌آزمون	گروه تجربی
			39/81	100/79	پس‌آزمون	
واحد تربیت بدنی ۲						

پائتهای نشان داد واحد تربیت بدنی عمومی ۱ به‌طور معنی‌داری بر خرده‌مقیاس‌های لحصارگرایی (0/001, P=0/001, t=-3/767), هویت اجتماعی (0/001, P=0/001, t=4/693), تأثیرپذیری منفی (0/043, P=0/038, t=2/038) و هویت خود (0/002, P=0/002, t=-3/183) دانشجویان تأثیرگذار است و واحد تربیت بدنی عمومی ۲ نیز تنها بر خرده‌مقیاس هویت خود آزمودنی‌ها تأثیرگذار است (0/002, P=0/002, t=-3/162).

ضمناً نتایج تحقیق نشان داد بین تأثیرگذاری واحدهای تربیت بدنی عمومی ۱ و ۲ دانشگاه

بیرجند بر هویت ورزشی دانشجویان تفاوت معنی‌داری وجود ندارد ($P=0.813$, $t=0.231$).
جدول ۳ آماره‌های مربوط به مقایسه تفاصل پس‌آزمون و پیش‌آزمون گروه‌های تجربی ترین
بدنی عمومی ۱ و ۲ را به تفکیک متغیرهای هویت ورزشی نشان می‌دهد.

جدول ۳. آماره‌های مربوط به مقایسه تفاصل پس‌آزمون و پیش‌آزمون گروه‌های
تجربی ترین بدنه عمومی ۱ و ۲ به تفکیک متغیرهای هویت ورزشی

سطح معنی‌داری	نمره t	انحراف استاندارد	میانگین	آزمون t گروه‌های مستقل
۰/۸۱۳	۰/۲۳۱	۲۸/۹۴	۴/۵۸۰	عمومی ۱
		۳۱/۶۳	۳/۷۰۰	عمومی ۲
۰/۱۸۶	۱/۸۴۶	۶/۹۵	۲/۷۵۸	عمومی ۱
		۸/۵۱	۱/۰۴۹	عمومی ۲
۰/۱۸۶	۰/۹۱۲	۷/۶۵	۲/۲۶۱	عمومی ۱
		۹	۱/۴۵۸	عمومی ۲
۰/۲۲۶	-۰/۱۴۶	۶/۶۳	۱/۷۲۵	عمومی ۱
		۷/۰۶	۱/۸۴۳	عمومی ۲
-۰/۸۹۱	-۰/۸۹۱	۸/۳۷	۰/۲۶۰	عمومی ۱
		۹/۲۰	۱/۱۸۱	عمومی ۲
۰/۷۸۸	-۰/۳۵۸	۱۰/۶۶	-۲/۰۱	عمومی ۱
		۹/۶۶	-۰/۳۸۵	عمومی ۲

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اساسی این پژوهش تبیین جنبه‌های اجتماعی و پیامدهای مثبت و منفی مشارکت دانشجویان در واحدهای تربیت بدنه عمومی ۱ و ۲ بود که پیش از این در کمتر تحقیقی به آن توجه شده است؛ از این رو تحقیق حاضر بهدلیل توجه به ابعاد روانی آشکار و پنهان مشارکت دانشجویان در واحدهای تربیت بدنه عمومی، ویژگی‌های منحصر به فردی دارد که می‌تواند برای برنامه‌ریزان واحدهای درسی مفید باشد.

دانشجویان تأثیرگذار نیست. هویت ورزشی که از آن به عنوان نماد جامعه‌شناسخنی مشارکت ورزشی یاد می‌شود، معیاری دقیق و البته متفاوت برای تعیین میزان و کیفیت نگرش و مشارکت ورزشی افراد محسوب می‌شود. ارتقای هویت ورزشی در فرد می‌تواند تا آنجا پیش رود که نقش ورزشکاری فرد، در مقایسه با سایر نقش‌ها، با قدرت بیشتری تأیید شود. این مسئله در

مورد واحد تربیت بدنی عمومی، گمنی غیرواقعی به نظر نمی‌رسد، اما پروسه افزایش نسبی آن موضعی است که باید مورد توجه قرار گیرد. هویت ورزشی، حاصل فرآیند نقش‌سازی پیچیده‌ای است که نتیجه آن ارائه رفتار مورد انتظار است. اگر واحد تربیت بدنی عمومی نتواند در مجموع مؤلفه‌هایش بر هویت ورزشی دانشجویان تأثیرگذار باشد، در دست‌یابی به اهداف خود (که مهم‌ترین آن‌ها بهبود نگرش، مشارکت و رفتار ورزشی مورد انتظار از سوی دانشجویان است) ناتوان مانده است.

ارتقای هویت ورزشی در فرد به معنی درونی تر کردن نگرش وی به مشارکت ورزشی خود است و هر چه این فرآیند درونی‌سازی افزایش یابد، احتمال ادعا یا تأیید نقش ورزشکاری در محیط‌های اجتماعی ارتقاء می‌یابد، به طوری که در مورد ورزشکاران نخبه یا حرفة‌ای به نقش برتر یا تعیین‌کننده بدل می‌شود؛ از این رو ارتقای نسبی و حداقلی هویت ورزشی دانشجویان شرکت‌کننده در کلاس‌های واحد تربیت بدنی عمومی به عنوان معیار نسبی درونی شدن نگرش مثبت به فعالیت بدنی و ارتقای انگیزه مشارکت ورزشی، هدف بسیار مهمی است که بر پایه یافته‌های پژوهش، توسط مدرسان واحدهای تربیت بدنی عمومی ۱ و ۲ دانشگاه بیرجند دنبال نمی‌شود و از این منظر با نتایج تحقیق رمضانی (۱۳۸۱) همخوان و با نتایج تحقیق قنبرزاده (۱۳۷۰) مبنی بر اثربخش بودن واحدهای تربیت بدنی عمومی در دست‌یابی به اهداف عمومی خود ناهمخوان است (۲، ۳). اینکه مدرسان واحدهای تربیت بدنی عمومی ۱ تا چه اندازه با اهداف عمومی و اختصاصی این واحد درسی آشنا هستند و تا چه حد برنامه درسی پیاده شده، اهداف مورد نظر را دنبال می‌کند، مسئله‌ای است که اظهار نظر در مورد آن‌ها در چارچوب پژوهش حاضر نمی‌گنجد.

بر مبنای یافته‌ها، ارتقای میانگین هویت ورزشی دانشجویان شرکت‌کننده در واحد تربیت بدنی عمومی ۱ به میزان ۴/۵۸، با توجه به افزایش مشارکت ورزشی آن‌ها به دلیل شرکت در این واحد درسی امری طبیعی به نظر می‌رسد، اما آیا افزایش مشارکت ورزشی و حضور در واحدهای تربیت بدنی عمومی برای ارتقای هویت ورزشی کافی است؟ از عوامل مؤثر بر هویت ورزشی می‌توان به میزان توجه اختصاص یافته به ورزش از سوی فرد و توجه و انرژی‌های دریافتی از سوی دیگران اشاره کرد (۷). دانشجویان با حضور در این واحد درسی، خواسته یا ناخواسته مجبور می‌شوند بخشی از توجه خود را به ورزش و فعالیت بدنی اختصاص دهند و در پی آن، انرژی‌هایی مثبت یا منفی از دیگران، محیط و غیره دریافت می‌کنند که در صورت مثبت بودن این انرژی‌ها، زمینه برای ارتقای سطح نشاط و شادابی آنان به دلیل حضور در کلاس‌های تربیت بدنی عمومی فراهم می‌شود. حال تا چه حد اختصاص وقت و انرژی از سوی فرد، بدون در نظر

گرفتن اطبار برای حضور در کلاس‌های درسی، انتظارات اجتماعی خود و دیگران را برآورده می‌سازد، موضوعی است که باید به آن توجه شود. به طور کلی، به نظر می‌رسد واحد تربیت بدنی عمومی ۱ پاسیل تأثیرگذاری بر مؤلفه‌های هویت ورزشی را داراست؛ از این رو باید جزئیات اجرایی آن از سوی دست‌اندرکاران امر با دقت بیشتری بازبینی شود.

مشاهده هویت ورزشی دانشجویان شرکت‌گننده در واحدهای تربیت بدنی عمومی ۱ به تفکیک خردۀ مقیاس‌ها نشان می‌دهد که واحدهای تربیت بدنی عمومی بر خردۀ مقیاس‌های هویت اجتماعی، هویت خود و انحصارگرایی تأثیر مثبت داشته و آن‌ها را به طور معنی‌داری افزایش داده است، اما در مورد مؤلفه‌های تأثیرپذیری مثبت و منفی بی‌تأثیر و چه بسا دارای تأثیر منفی نیز بوده است؛ از این رو می‌توان معنی‌دار نبودن تأثیر واحد تربیت بدنی عمومی را بر هویت ورزشی دانشجویان به دلیل دریافت نکردن توجه و انرژی مثبت لازم و در ادامه، دریافت احساسات منفی و پاسخ به نتایج تحقیق مایلز و کریستنسن (۲۰۰۶) و همچنین آندرسون (۲۰۰۴) ناهمخوان است (۱۴، ۱۵). از دلایل ناهمخوانی می‌توان به متفاوت بودن میزان و نوع مشارکت تمرینی آزمودنی‌ها اشاره کرد.

هویت اجتماعی که جایگاه ویژه‌ای در مباحث روان‌شناسی اجتماعی دارد، به معنی وجود یا در دسترس بودن افرادی است که فرد می‌تواند به آن‌ها اعتماد کند، به آن‌ها علاقه‌مند باشد و در نهایت، از آن‌ها انتظار حمایت داشته باشد. در واقع، هویت اجتماعی، آگاهی فرد از تعلق به گروه اجتماعی معین است و ارزش و اهمیت عاطفی این عضویت به صورت سازه‌ای شناختی - اجتماعی مفهوم‌سازی می‌شود، در حالی که یکی از اهداف مهم تربیت بدنی، ارتقای شناختی - نگرش و روابط اجتماعی است.

بر پایهٔ یافته‌ها، واحد تربیت بدنی عمومی ۱ دانشگاه بیرجند بر خردۀ مقیاس هویت اجتماعی دانشجویان تأثیرگذار است که بار دیگر بر توانایی واحد تربیت بدنی عمومی ۱ در بهبود تعاملات اجتماعی دانشجویان تأکید می‌کند. بدینهی است تعیین برنامه مدون و منسجم برای ارتقای مناسبات اجتماعی از طریق ورزش و فعالیت بدنی در چارچوب این واحد مهم درسی می‌تواند زمینهٔ تأثیرگذاری هر چه بیشتر آن را فراهم کند. به علاوه، احتمالاً تعامل اجتماعی استاد و دانشجو نیز بر این خردۀ مقیاس اثرگذار است و باید از آن به عنوان متغیری مهم یاد کرد.

بر اساس یافته‌ها، واحد تربیت بدنی عمومی ۱ دانشگاه بیرجند بر خردۀ مقیاس انحصارگرایی دانشجویان تأثیرگذار است. خردۀ مقیاس انحصارگرایی از اهمیت ورزش، در مقایسه با فعالیت‌ها و پدیده‌های اجتماعی دیگر خبر می‌دهد، به طوری که فرد به مقایسه ورزش با سایر جنبه‌های

زندگی خود می‌پردازد و اولویت آن را مشخص می‌کند. اینگه واحد تربیت بدنی عمومی توائمه است اهمیت دادن به ورزش را در زندگی دانشجویان افزایش دهد، نتیجه منطقی است که با توجه به یافته‌های پژوهش مشاهده می‌شود. آنچه مسلم است، روز به روز تأکید بر اهمیت ورزش و فعالیت بدنی در جامعه بیشتر می‌شود و تبلیغات گسترهای مبنی بر لزوم فرارگیری فعالیت بدنی منظم به عنوان بخش قابل توجهی از سبک زندگی وجود دارد که می‌تواند به صورت احتمالی بر نتایج تحقیق حاضر تأثیرگذار باشد.

نتایج نشان می‌دهد واحد تربیت بدنی عمومی ۱ دانشگاه بیргند بر خردۀ مقیاس هویت خود در دانشجویان تأثیرگذار است. این یافته مؤید این امر است که واحد تربیت بدنی عمومی ۱ می‌تواند میزان آگاهی فرد را از نقش ورزشکاری خود به طور معنی‌داری ارتقاء بخشد که ممکن است به دلیل افزایش مشارکت ورزشی دانشجویان، تأثیرات روانی و فیزیولوژیک واحد تربیت بدنی عمومی ۱ و همچنین افزایش شناخت ورزشی آنان باشد. این یافته با نتایج تحقیق آندرسون (۲۰۰۴) همخوان است.

بنا بر یافته‌های پژوهش، واحد تربیت بدنی عمومی ۱ دانشگاه بیргند بر خردۀ مقیاس تأثیرپذیری مثبت دانشجویان تأثیر ندارد. تأثیرپذیری مثبت به احساسات خوب فرد در پاسخ به نتایج مطلوب مشارکت ورزشی گفته می‌شود؛ از این رو این نتیجه زنگ خطری برای دست‌اندرکاران تربیت بدنی در دانشگاه بیргند محسوب می‌شود. واحد درسی‌ای که با وجود تمامی نکات مثبت و اثربخش، نتواند زمینه‌ساز ایجاد احساسات خوب در افراد باشد، در نهایت، نتیجه مورد انتظار را به دنبال نخواهد داشت. چه بسا نتایج خردۀ مقیاس تأثیرپذیری منفی مؤید این مطلب است که شرکت نکردن دانشجویان در کلاس‌های واحد تربیت بدنی عمومی، نه تنها احساسات منفی در آنان ایجاد نمی‌کند، بلکه باعث ایجاد احساسات مثبت نیز می‌شود. همین عوامل است که روی هم رفته اثرات مثبت واحد تربیت بدنی عمومی ۱ دانشجویان را خنثی کرده و باعث شده است که هویت ورزشی دانشجویان در مجموع با تغییر جدی مواجه نشود.

به طور کلی، به نظر می‌رسد کلاس‌های واحد تربیت بدنی عمومی ۱ در جذب دانشجویان ناموفق باشند. دانشجو زمانی می‌تواند اهداف واحدهای تربیت بدنی عمومی ۱ را با جدیت دنبال کند که خود با علاقه‌مندی بیش از پیش در کلاس‌ها حضور یابد و احساسات مطلوبی از حضور خود در این کلاس‌ها دریافت کند.

بنا بر یافته‌های پژوهش واحد تربیت بدنی عمومی ۲ دانشگاه بیргند نیز بر هویت ورزشی دانشجویان تأثیرگذار نیست که نشان می‌دهد احتمالاً نحوه اجرای واحد درسی تربیت بدنی، کیفیت تعامل استاد و دانشجو و در نهایت، ملموس بودن نتایج مطلوب آن از محتوای درسی

واحد تربیت بدنی مهم‌تر است. به علاوه، بررسی مؤلفه‌های هویت ورزشی دانشجویان به تفکیک خردمندی می‌دانم. تریت بدنی عمومی ۲ تنها بر خردمندی می‌دانم. هویت خود دانشجویان تأثیرگذار بوده و برخلاف واحد تربیت بدنی عمومی ۱، در تأثیرگذاری بر خردمندی می‌دانم. این اختصارگرایی و هویت اجتماعی دانشجویان ناموفق است. به طور کلی، به نظر من زند با وجود معنی دار نبودن تأثیرگذاری هر دو واحد تربیت بدنی ۱ و ۲، واحد تربیت بدنی عمومی ۲ اثربخشی کمتری دارد که این نتیجه، با توجه به محتوای تخصصی تر واحد تربیت بدنی عمومی ۲ کمی دور از انتظار بود. با این حال، به نظر من زند واحد تربیت بدنی عمومی ۲ به طور نسبی بتواند در افزایش شناخت از ورزشی خاص موفق باشد، اما در ارتقای هویت ورزشی که هدف والاتری است، اثربخش نیست.

به طور کلی، به نظر من زند دو عامل محتوای واحدهای تربیت بدنی و نحوه ارائه آن در بهداشت آمدن یافته‌های اخیر که مهم‌ترین آن‌ها ناتوانی واحدهای تربیت بدنی عمومی ۱ و ۲ در ارتقای هویت ورزشی دانشجویان است تأثیرگذار باشند. احتمال می‌رود تدریس سلیقه‌ای واحدهای تربیت بدنی عمومی بدون توجه به اهداف تعیین شده، نبود همانگی میان اهداف و نحوه اجرای واحدهای تربیت بدنی عمومی ۱ و ۲، نبود شاخص‌ها و صلاحیت‌های اختصاصی مشخص برای انتخاب مدرسان این واحدهای مهم درسی، کلیشه‌ای برگزار شدن کلاس‌ها و استفاده نکردن از امکانات روزآمد ورزشی، نوآوری‌های آموزشی و امکانات کمک‌آموزشی در تدریس این واحدهای عدم تنوع بخشی رشته‌ای و طول زمان درگیری دانشجو در این واحدهای درسی و در نهایت، نبود نظارت دقیق و منظم بر عملکرد مدرسان و اثربخشی واحدها عوامل مؤثر بر این ناتوانی باشند که باید بیش از پیش مورد توجه پژوهشگران بعدی، برنامه‌ریزان آموزشی و مجریان قرار گیرد.

منابع:

۱. جوادیان صراف، نصرالله، (۱۳۸۷). بررسی اثربخشی واحدهای تربیت بدنی عمومی ۱ و ۲ دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد. گزارش طرح پژوهشی. دانشگاه فردوسی مشهد.
۲. قنبرزاده، محسن، (۱۳۷۰). بررسی کارآیی و نحوه اجرای واحد تربیت بدنی (۱) دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی از دیدگاه دانشجویان، مدرسین و مسئولین. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت معلم تهران.
۳. رمضانی، علی، (۱۳۸۱). بهینه‌سازی تربیت بدنی ۱ و ۲ از دیدگاه اعضای هیئت علمی و

دانشجویان پسر دانشگاه‌های منتخب تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم تهران

پ. بنیان، عباس، گافری، مجید، (۱۳۸۳). بررسی محتوا و شیوه ارزشیابی واحد تربیت بدنی عمومی (۱) دانشگاه‌های کشور. پژوهش در علوم ورزشی، ۲ (۵): ۱۵-۲۹.

5. Brewer, B.W., Van Raalte, J.L., Linder, D.E. (1993). Athletic identity: Hercules' muscles or Achilles heel? International Journal of Sport Psychology, 24: 237-254.
6. Stephan, Y., Brewer, B.W. (2007). Perceived Determinants of Identification with the Athlete Role among Elite Competitors. Journal of Applied Sport Psychology, 19: 67-79, 2007.
7. Cieslak, T. J. (2004). Describing and measuring the athletic identity construct: Scale development and validation. The Ohio State University.
8. Martin, J.J., Muschett, C.A., Eklund, R.C. (1994). Factor structure of the athletic identity measurement scale with adolescent swimmers with disabilities. Brazilian International Journal of Adapted Physical Education Research, 1: 87-99.
9. Matheson, H., Brewer, B.W., Van Raalte J.L., Andersen, B. (1994). Athletic identity of national level badminton players: a cross-cultural analysis. In: Reilly, T.M., Hughes, M., Lees, A., editors. Science and racket sports. London: E & FN Spon.
10. Tasiemski, T., Kennedy, P., Gardner, B.P., Rachel, A. (2004). Athletic identity and sports participation in people with spinal cord injury. Adapted Phys Activity Q, 21:364-78.
11. Good, A.J., Brewer, B.W., Petitpas, A.J., Van Raalte, J.L., Mahar, M.T. (1993). Identity foreclosure, athletic identity, and college sport participation. The Academic Athletic Journal, 8: 1-12.
12. Wiechman, S.A., Williams, J. (1997). Relationship of athletic identity to injury and mood disturbance. Journal of Sport Behavior, 20: 199-210.
13. Hurst, R., Hale, B., Smith, D., Collins, D. (2000). Exercise dependence, social physique anxiety and social support in experienced and non-experienced body builders and weightlifters. Br Journal Sports Medicine, 34:431-5.
14. Mills, A.L., Christensen, S.A. (2006). Athletic identity and its relationship to sport participation levels. Journal of Science and Medicine in Sport, 9(6): 472-478
15. Anderson, C. B., Masse, L.C., Hergenroeder, A.C. (2007). Factorial and construct validity of the athletic identity questionnaire for adolescents. Medicine & Science in Sports & Exercise, 39(1):59-69.

16. Derick, J.W. (2008). An examination of athletic identity, sport commitment, time in sport, social support, life satisfaction, and holistic wellness in college student-athletes. Dissertation Abstracts International Section A: Humanities and Social Sciences, Vol 68(7-A), pp. 2834.